

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج محمد ابراهیم "حبیب زی"
ورجنا - ۱۸ اکتوبر ۲۰۱۵

حصار شب و فصل دروغین

روزی پیدا به شام سرزمین ما نشد
گر شد رهبران ماه و پروین ما نشد
عمرها بیلچه زدیم در کشتی آزادی
نقش نام بی وطن پاک از جبین ما نشد
شعله ور وادی دل شد از جفای روزگار
مشعلی روشن ز آه آتشین ما نشد
تیر ظلمت را زدند بارها در محراب دل
نور ناموس حیا محو از بالین ما نشد
بی تو و دامن پاکت، ای دیار نازنین
قصر سفید و کرمین جاگزین ما نشد
هرقدر خیزک زدیم در مجلس عالیجناب
چون همه مزدور بود خوشبین ما نشد
کاکا فضل را گفتم یک دهن نسوار تند
سوی ما دستی تکان داد و قرین ما نشد
جرم فصل دروغین است نه تقصیر ما
هیچ گاه خالص ز غیر انگبین ما نشد
کاکه تیغو میزد لنگی را دایم چپه شاخ
از بدی روزگار لنگی پیدا بر تاقین ما نشد

دستبردی زد "حبیب" از شعر فانی وز عباب

با همه دزدی و گرگی، پُر خورجین ما نشد